

مرد تشویش همیشه

محمد ایوبی



۱۳۸۸

از دیار مردگان، به جهان زندگان

یا

جاودانگی

می‌گوییم: «کی برایت شماره گرفت، مادر؟»

صداش هوفه‌ی رنج می‌شود در گوشم. دلم می‌خواهد پیشش بودم و اشک‌هاش را می‌بوسیدم. می‌دانم صدام را که شنیده، گریه کرده. بی‌صدا، راه‌آبه را بر گونه‌های پلاسیده پاک کرده و یادش بوده که روزی، خیلی پیش، به غرور جوانی، سعدی‌وار، به او گفته بوده‌ام:

«یعنی چه؟ تا می‌گوییم آخ، سرم درد می‌کند، گریه می‌کنی؟ خوب نیست که اشک آدم دم مشکش باشد! یعنی می‌خواهی بگویی مرا خیلی دوست داری؟ دو صد گفته چون نیم کردار نیست! درست، عمل کردن است، نه حرف زدن و گریه کردن!»

گفت: «به جون خودت که دنیا هستی، نمی‌فهمم اینایی که می‌گی یعنی چی؟ اصلاً معنی حرفاتو نمی‌فهمم. خب، درستش همینه، تو درس خوندی، کتاب خوندی اون‌همه، معلومه من بی‌سوات نباید معنی حرفاتو بفهمم...»

گفتم: «سواد مادر، نه سوات. حالا هی اشکات رو با دستای چرب و چیلیت پاک می کنی که چه؟»

«مادر، باور نمی کنی، نکن! آدم می تونه بگه دوستت دارم و واست می میرم اما نمی شه که بگه تو هم دوستم داشته باش! دل مادر همین بوده تا بوده. خب، واسه همینه که گفتن سگ بشی مادر نشی! فقط اینو بدون وقتی خدانکرده جاییت درد می کنه، دلم می ریزه، هیچ وقت دیگه دلم نریخته، غیر همین وقتا که گفتی آخ، سرم مثلاً...»

حالا دارم توی دلم به خودم نفرین می کنم که چرا آن روز تسلیم غرور جوانی شدم. حالا که دیگه می دانم مادرم زن ساده و بی سواد عاشقی است، عاشق بچه هاش، چه حالا که پیرزن بی سواد عاشق پرحرفی است، چه آن وقت ها که زن جوان راست قامت خوش صدایی بوده.

می گوید: «واسه همین تلفن کردم که بهت بگم! نترسی مادر، اتفاق بدی نیفتاده. اول خیالتو راحت کنم!»

می گویم: «کی واست شماره تلفن منو گرفت؟»

می دانم که نمی داند و نمی تواند شماره بگیرد. معمولاً عروس برادرم برایش شماره می گیرد! حالا که می گوید تنهاست، دلم شور می افتد.

می گوید: «خب، همه ی اینا به هم مربوطند، باید بهت بگم، به خودت تنها هم باید بگم!»

از حرف هاش تعجب می کنم. راستش، اول خیال می کنم لابد ترس از تنهایی یک جورهایی به خیالبافی اش انداخته، اما می دانم تنهایی اش طول نمی کشد، لابد پسر برادرم و همسرش غروب نشده برمی گردند. همان اول گفته، رفته اند سری بزنند به مادر دختر، ناهار مهمان بوده اند، حالا غروب نشده برمی گردند. سعی می کنم تمام حرف هاش را مرور کنم.